

در ادامه فاجعه پاکدشت

دکتر حسین عسکری

روانپزشک (تهران)

وقتی بزرگ تر شدم و خودم این کار را می‌کردم، یادم می‌افتاد و غیر از این که لذت می‌بردم، نفرت داشتم، لذت اش چیزی نبود، بیشتر نفرت داشتم.

س: گفתי در سن ۱۳، ۱۲، ۸، ۶ سالگی با شما رابطه جنسی داشتند، فکر می‌کنید این موارد چه تاثیری در تصورات و حالات شما داشت؟

ج: نقشی نداشت، مثلاً ۲۰ درصد.

س: فکر می‌کنید اگر این روابط جنسی نبود ممکن بود دنبال این کار نروی؟

ج: نمی‌شود گفت.

نتیجه:

در جوامعی که محدودیت‌های روابط بین دختر و پسر وجود دارد معمولاً "هم جنس بازی" بین هردو جنس رواج زیادی دارد که بیشتر آنها پنهانی است. پسر بچه‌ها از ترسی که دارند آن را با کسی در میان نمی‌گذارند.

زیر بنای این گونه روابط جنسی عبارت است از:

۱- غریزه جنسی و ارضای آن

۲- محرومیت‌هایی که در روابط بین جنس دختر و

پسر وجود دارد.

۳- هم جنس بازی توأم با آدم کشی (کشتن قربانی)

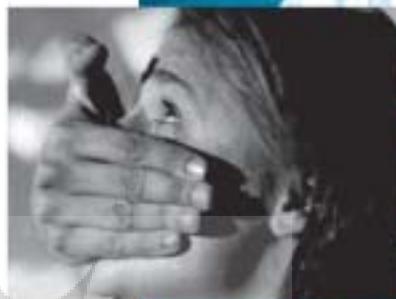
و آزارهای جنسی (سادیسزم جنسی) ریشه در دوران

کودکی و تجاوزات جنسی با زور و آزار او دارد.

بررسی:

در این مورد خاص زمانی که در سن ۶ سالگی به

وی تجاوز جنسی می‌شود می‌گوید:



در فاصله بررسی‌های چند جانبه‌ی این فاجعه، بطور روز شمار در روزنامه‌ها می‌خوانیم که در شمال کشور پسر جوانی چندین زن و دختر را به قتل رسانده است و... و از این آدم‌کشی‌ها زیاد می‌خوانیم که هر کدام به نوعی... و به دلیلی... و اما باز هم به مصاحبه محمد بیجه و نتیجه‌گیری‌ها توجه فرمایید:

پرسش‌ها:

س: بلوغ جنسی شما چه موقعی بود؟

ج: در سن ۱۴ سالگی.

س: اتفاقی بود یا تجربی؟

ج: تجربی.

س: قبل از آن با مسایل و رفتارهای جنسی‌آشنایی داشتید؟

ج: بله، در سن ۶ سالگی با من این کار را کردند و در سن

۸، ۱۲، ۱۳ سالگی که این افراد از من بزرگتر بودند، مثل الان خودم.

س: شما علاقمند بودید یا به زور انجام شد؟

ج: نه، با زور، من هیچی نمی‌دانستم، خیلی ساده بودم.

س: اولین بار چه حالی، چه فکری به شما دست داد؟

ج: آن موقع زیاد فکرش را نمی‌کردم، نمی‌دانستم یعنی چه،



زیاد به آن فکر نمی کردم:

واین صحبت به معنی انکار و یا واپس زدن ضربه‌ی روانی است که به وی وارد شده است.

در حالی که انتظار این بود که چنین پاسخی داده می‌شد:

ترسیده بودم، احساس گناه می‌کردم، گریه می‌کردم، از جنس مرد واهمه داشتیم، بعد از آن مواظب بودم که فردی به من نزدیک نشود، این موضوع را با مادر، پدر، دوست ویا... مطرح می‌کردم و در جستجوی چاره بودم.

متاسفانه این گونه جملات از زبان وی شنیده نمی شود بلکه با بی تفاوتی از آن می‌گذارد، مشابه همین تجاوز جنسی در سن ۸،۱۲،۱۳ سالگی نیز اتفاق افتاده است و او به سادگی از آن گذشته است.

می گوید:

وقتی بزرگ تر شدم و خودم این کار را می‌کردم، یادم می‌افتادو علاوه بر این که لذت می‌بردم نفرت نیز داشتیم، **نفرت آن بیشتر از لذت آن بود.**

بررسی:

لذت آن لذت غریزه‌ی جنسی

نفرت از آن، همان نفرتی است که در ناخودآگاه در مورد افرادی که به وی تجاوز کرده اند و نسبت به خود و احساس گناهی است که داشته است.

کشتن کودکان قربانی بعد از رابطه جنسی به چه

معنی است؟:

۱- انتقام گرفتن از آنانی که به وی تجاوز کرده بودند.

۲- با این عمل از شدت عقده‌ی وی تا حدودی کاسته شده و

نفرت خود را نشان می‌دهد.

۳- از دیدگاه روانی معنی دیگری نیز می‌تواند داشته باشد که:

احساس گناه و آرزوی مرگ خود را که بعد از تجاوزات جنسی داشته در کودکان قربانی به تصویر کشیده در حقیقت کشتن قربانی به معنی کشتن خود است.

نتیجه:

چه راه حلی وجود دارد که این نوع تجاوزات جنسی انجام نشود:

توجه داشته باشیم که **اختلال روانی - جنسی** هم جنس

بازی " با این اختلال آدم کشی (سادیسم روانی - جنسی) تفاوت دارد.

در اختلال روانی - جنسی " هم جنس بازی" هیچ گونه خشونت و وجود ندارد و هر دو راضی از رابطه‌ی هم جنس بازی و از آن لذت می‌برند که باز هم، این هم جنس بازی ریشه در رشد روانی در دوران کودکی دارد.

اما این گونه تجاوزات جنسی و به این صورت نتیجه اش همین است که در جوامعی مانند جامعه‌ی ما زیاد دیده یا شنیده می‌شود.

راهکار:

مردم نیاز دارند که اطلاعات و آگاهی‌ها بیشتری در مورد هم جنس بازی و آزارهای جنسی داشته باشند. افرادی که دارای چنین اختلالی هستند با دید توجه نمایند که بیمار هستند و هر چه سریع تر برای چاره جویی و درمان خود اقدام نمایند.

مشاورهای روانپزشکی، روانشناسی و گاهی استفاده از بعضی از داروها می‌تواند به درمان این افراد کمک نمایند.

ادامه دارد...